

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز، من هم در پرسش و پاسخ ۲۷۱۷۵ که خدمتتان ارسال کردم، عرض کردم دقیقاً این را نشانگر صبرِ فهیمانه و دقت نظر دکتر داوری می بینم که متوجه اند افق گشایی و تمدن سازی امری نیست که فوراً با شور و روحیه بخواهیم آن را بدست بیاوریم در مدت زمان کوتاه و با تانی به آن نیندیشیم و سریعاً بگوییم ما از توسعه و لوازم آن گذر می خواهیم بگذریم و در حال گذریم بلکه باید با صبر و شجاعت آن را بررسی کرد و پیش برد. من متوجه این فهم و درک دقیق دکتر داوری می شوم و متوجهم ایشان می خواهند ما را از شتاب زدگی و عدم صبر تمدنی عبور دهند و مصداق و نمونه این سخنان حضرت آقا می دانم که فرمودند نباید بی صبری و بی طاقتی کنید و مدام پا به زمین بکوبید چرا نشد و چنان وانمود کنید که اوضاع بسیار بحرانی است و نشد که نشد. حرف من اینجاست که ما باید عالم انسان دینی را بررسی و اصالت بدهیم و حکمت نظری مان بدانیم و زمین و بسترها را باید متناسب آن بچینیم تا بتدریج بتوانیم الگوهای تمدنی خود را با قوت و تعالی جلو ببریم کما اینکه حضرتعالی هم فرمودید انقلاب از جنس وجود است و تجلی و مراتب دارد تا به کمال نزدیک شود. رویکرد خود امام را ببینیم از همان ابتدا ایشان می گفتند ما بدنبال الگوی دموکراسی و توسعه سیاسی مدرن نیستیم و تن به لوازم آن نمی دهیم و باید از آن عبور شود ولی در عین حال می فرمودند همین ابزار دموکراسی جهت تحقق آزادی اجتماعی و بالاتر از آن قسط می تواند موثر باشد لذا باید در زمین نظام مردم سالار ولایی و دینی با محوریت تحقق حکم الله و انبیاء و اولیاء او باشد و اشاره هم می فرمودند که ما باید طی زمان مردم سالاری دینی را تقویت کنیم و حتی اگر جایی دیدیم همین ساختارهای قانون اساسی کنونی با روح عقاید و فرهنگ مان همسویی ندارد آن را تعویض کنیم و اینها در حالی بود که اول انقلاب بود و بعضی توصیه به تساهل در برخورد با دموکراسی و اکل میته داشتند ولی امام آن را نپذیرفتند. تلقی من اینست که باید بصیرت و خودآگاهی و انس با عالم انسان دینی را تبیین کرد و نشان داد و آن را روشن کرد و بتدریج الگوهای متناسب آن عالم و تمدن اسلامی_ایرانی را بتدریج اجرا کرد تا اصالت و حضور اصیل مان در جهان اسلامی ایرانی باشد و در عین حال تکنولوژی و مکانیزم های جهت تحقق آزادی اجتماعی (که پس از رنسانس ویژه در غرب بدان توجه ها معطوف شد و تقلا صورت گرفت و مکانیزم هایی هم تعریف شد هر چند بدون در نظر گرفتن آزادی معنوی و بندگی) که می تواند با روح شیعی و ایرانی ما بخواند را استحاله کنیم و لعاب فرهنگی ما به آنها باشد. بلی! ما محدود به حوالت های تاریخی هستیم ولی می توانیم با فهم مقتضیا زمان در بستر توحید تاریخ سازی کنیم و جهت تاریخ را بسمت نظم معنوی و الهی ببریم. خود حضرت آقا در جریان الگوی

اسلامی_ایرانی پیشرفت فرمودند که ما شاید برخی اهداف و استراتژی هایمان با توسعه و الگوی توسعه مدرنیته بخواند ولی ما جهت و هدف مان در جوهره دیگریست و ما باید تکنیک ها و ابزارهای مناسب و همسویی که می بینیم، در الگوی پیشرفت استحاله کنیم. این صبر تمدنی را آقا ویژه بدان تاکید می کنند وقتی که اشاره دارند باید اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت الگو و جهان اسلامی_ایرانی معلوم شود طی فرآیند طلوع تاریخی حق و تمدن متعالی را شاهد باشیم و به تعبیر من در این جهت نرویم که به فکر دین حداقلی و حفظ میراث شیعی ایرانی در عین حال عدم فکر تحقق قوی و عمیق شریعت و حکمت اسلامی_ایرانی و تساهل و بهره بیشتر از تجارب و مکانیزم های مدرن، بیفتیم که اکنون آقای مهدی نصیری تحت عنوان عصر حیرت آن را دنبال می کنند. من کمی اینجا با مطلب دکتر داوری تفاوت نگرش پیدا کنم که باید هم اکنون هم که ما در عصر سیطره مدرنیسم هستیم از پایداری و عدم هضم در توسعه دم بزینم و نباید جهت مان توسعه باشد ولی باید خودآگاهی پیدا کنیم و عالم انسان دینی را بشناسیم و آنرا جهت خود معلوم کنیم تا هم اکنون هم بیاییم با نگرش تمدنی برنامه خود را جلو ببریم. کمی این تفاوت نظرم معطوف به ورود ما در گام دوم و بیانیه گام دوم هست که البته شاید اگر چندین سال این بحث دکتر داوری را می دیدیم از جهاتی همسویی با این بزرگوار بیشتر بود ولی معتقدم باید با بصیرت و تعیین نقطه ثقل خودمان در عرصه های مختلف توامان با صبر و استقامت، کار را جلو ببریم و به تصرف در تکنیک و مکانیزم های مدرن پردازیم و منتقدانه با مدرنیته مواجه شده و در نظر و عمل بنا و فرآیند تدریجی مان عبور از توسعه باشد و بدین هم فکر کنیم مبدا جهت مان بسمتی برود که به اکل میته برسیم. عذر می خواهم اگر تعابیرم رسا بود و اطاله کلام شد و وقت شریفتان را گرفتم. بعنوان ارادتمند و مخاطب آثار و بیانات حضرتعالی مطالب و مباحثی معطوف به یادداشت وزین و اشارات و چشم اندازهای شما عرض شد و امیدوارم توانسته باشم با این مطالب تان ارتباط خوبی برقرار کرده باشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله حساسیت شما را نسبت به آنچه در این تاریخ در حال وقوع است، می شناسم که برای آینده مأوایی اصیل برای بشریت در حال وقوع است و اگر یک قدم از آن کوتاه بیاییم، مثل آن خواهد بود که مولایمان بعد از قتل خلیفه دوم، در جریان حکمیت نسبت به پذیرش روش شیخین، کوتاه می آمدند و عملاً با آن کوتاهی، چهره‌ی منور شخصیت خود را ذیل کدورت روش آن دو قرار می دادند و بشریت را از آینده‌ی اصیل خود ناامید و محروم می نمودند. ما یک لحظه از تأکید بر اصالت‌های ناب الهی و تقابل با استکبار، نه پشیمانیم و نه کوتاه می آییم. عمده روشی است که باید حکیمانه راه را جلو ببریم به همان روشی که اولیای معصوم در مقابل ما گشودند، وگرنه دین حداقلی که سال‌های پیش، دکتر سروش مطرح کردند و سال گذشته در جلسه‌ی ۳۹ مباحث «دین در دنیای مدرن» به آن صراحت دادند؛ به کلی دین را از ابعاد اصیلش خارج می کند و نادیده می گیرد. در

دکتر داوری و هایدگر ابدأً این حرفها نیست. دغدغهی آنها این است که دین از نگاهِ متافیزیکی و فرهنگِ مدرن نجات یابد و بی‌حساب نیست که گادامر یعنی اصلی‌ترین شاگرد هایدگر می‌گوید همه‌ی فکر و ذکر هایدگر، خدا بود. موفق باشید